

030063

DIA

**CAKARTA**

Mrázek, Rudolf

A certain age: colonial Jakarta through the memories of its intellectuals .-- Duke University Press, Durham (NC), 2010 :

**Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**

**03.05.2017**

Laffan, M.

A visit to Jakarta's Bayt al-Qur'an .-- 1999 : ISIM Newsletter, vol. 3 pp. 18-18, (1999)

سیلیونگ (لیونگ) از میان آن می‌گذرد. جاکارتا در دشتی هموار و پست واقع شده است که در فصلهای بارانی سنیلایهای بزرگ در آن جریان می‌یابد و این شهر را با خطر آب‌گرفتگی مواجه می‌سازد («شهرها...»، 212/IV؛ کلمبیا<sup>3</sup>).

آب و هوای این شهر گرم و مرطوب، و میانگین بالاترین میزان دما در دی ماه 29° و در تیر ماه 30° سانتی‌گراد است. جاکارتا یکی از پرباران‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید و در ماههای اردیبهشت تا آبان بر شدت بارشها افزوده می‌شود. میزان بارش سالانه در جاکارتا حدود 1790 میلی‌متر است و رطوبت متوسط هوای آن 78٪ است (همانجاها؛ مظفری، 10).

جاکارتا از مناطق صنعتی و بازرگانی اندونزی به شمار می‌آید و از دهه 1970م برنامه گسترده‌ای برای پیشرفت و توسعه صنایع آن اجرا شده است. فراورده‌های فلزی، تولید کفش، مواد شیمیایی و پلاستیک‌سازی مهم‌ترین صنایع جاکارتا هستند. به دنبال رشد صنعت در جاکارتا، بازرگانی نیز از رونق خاصی برخوردار گردید. جهانگردی نیز از دیگر منابع اقتصادی جاکارتا به شمار می‌آید (انکارتا<sup>4</sup>).

جاکارتا توسط راههای شوسه، ریلی، هوایی و دریایی با دیگر مناطق اندونزی و جهان ارتباط دارد. فرودگاههای کماجوران و هلمپ از فرودگاههای مهم و بین‌المللی اندونزی است که اروپا را به جنوب شرقی آسیا پیوند می‌دهد. بندر تانجونگ پریوک بزرگ‌ترین بندر و کانون حمل و نقل دریایی و تجارت خارجی در اندونزی شمرده می‌شود که در شمال شرقی شهر جاکارتا ایجاد شده است و کشتیهای بزرگ در آن پهلو می‌گیرند (همانجا؛ مظفری، 107؛ «اندونزی کنونی<sup>5</sup>»، 24 «اندونزی، راهنمای سفر<sup>6</sup>»، 65؛ اسعدی، 347/1).

جاکارتا از شهرهای پرجمعیت جهان است و مهاجرپذیری بی‌رویه از مشکلات عمده این شهر به شمار می‌آید. جمعیت جاکارتا در 1327ش / 1948م حدود 2 میلیون تن بود که در 1344ش / 1965م به 4 میلیون تن رسید؛ اما کوششهای دولت برای جلوگیری از مهاجرت و افزایش بی‌رویه جمعیت در جاکارتا نتیجه‌ای نداشت و در 1980م جمعیت این شهر به 6 میلیون تن افزایش یافت. جمعیت جاکارتا در 1386ش / 2007م، حدود 8'568'838 تن برآورد شده است (انکارتا؛ «جابوتا بک...»<sup>7</sup>؛ If. «فرهنگ جهانی»).

جاوه‌ایها، بتاوایها، سونداییها، چینیها، بتاکها و مینانگ کابونوها از گروههای عمده نژادی ساکن در جاکارتا هستند (انکارتا؛ مظفری، 10). 78٪ از جمعیت این شهر را مسلمانان

مآخذ: آکوف، گ. ب. (هاکویان) و م. ا. صاؤف، کردان گوران و مسئله کرد ترکیه، ترجمه میروس ایزدی، تهران، 1376ش؛ اعتمادالسلطنه، محمد حسن، مرآت‌البلدان، به کوشش عبدالحسین توایی و غاشم محدث، تهران، 1368ش؛ الی، نوردعلی، برهان الحق، به کوشش تقی تقضلی، تهران، 1354ش؛ ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، 1342ش / 1963م؛ یابانی، عبدالقادر، سیر - الاکرد، به کوشش محمد رفوف توکلی، تهران، 1377ش؛ تاپر، ر. ل. «سازمان اجتماعی‌های کوچرو در خاورمیانه»، ترجمه ن. مزدا، ایلات و عشایر (مجموعه کتاب آگاه)، تهران، 1362ش؛ جاف، حسن، تاریخ جاف، 1416ق / 1995م؛ همو، «تحقیقی در مورد یک طایفه ناشناخته ایرانی»، بررسیهای تاریخی، تهران، 1357ش، س 13، 2؛ حیرت سجادی، عبدالحمید، ایلیا و عشایر کردستان، تهران / ستدج، 1381ش؛ دایرةالمعارف فارسی؛ روزیسانی (روزیسانی)، محمد جمیل، «ایل جاوان»، مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش محمد رسول دریا گشت، تهران، 1357ش؛ زکی، محمد امین، کورد و کردستان، مهاباد، 1350ق / 1931م؛ زنگنه، مظفر، دودمان آریایی، تهران، 1347ش؛ سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده (1366ش)، نتایج تفصیلی، استان باختران، مرکز آمار ایران، تهران، 1368ش؛ همان (1377ش)، تهران، 1378ش؛ همان (1377ش)، جمعیت عشایری دهستانها، کل کشور، مرکز آمار ایران، تهران، 1378ش؛ سلطانی، محمد علی، ایلات و طوایف کورمانشاهان، تهران، 1372ش؛ سنجایی، علی اکبر، ایل سنجایی و مجاهدات ملی ایران، به کوشش کریم سنجایی، تهران، 1380ش؛ ستدجی، شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به کوشش حشمت الله طیبی، تهران، 1366ش؛ صفی‌زاده، صدیق، تاریخ کرد و کردستان، تهران، 1378ش؛ همو، نوشته‌های پراکنده درباره یارسان (اهل حق)، تهران، 1361ش؛ طیبی، حشمت‌الله، «پنج مقاله درباره قبایل کرده»، تحفه ناصری - (تک: هم، ستدجی)؛ همو، میثاقی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر، تهران، 1371ش؛ عزوای، عباس، عشائر العراق، بغداد، 1366ق / 1947م؛ العناثر الكردیه، ترجمه فؤاد حمه خورشید، بغداد، 1979؛ فیروزان، ت. «درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران»، ایلات و عشایر (مجموعه کتاب آگاه)، تهران، 1362ش؛ قاشندی، احمد، صبح الاعمش، قاهره، 1963م؛ مردوخ کردستانی، محمد، تاریخ، ستدج، 1351ش؛ مسعودی، علی، التیه و الاشراف، به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی، بغداد، 1357ق / 1938م؛ همو، مروج الذهب، بیروت، 1989م؛ مشیرالدوله تبریزی، جعفر، رساله تحقیقات سرحدیه، به کوشش محمد مشیری، تهران، 1348ش؛ ملک الکلام، عبدالمجید، «عشایر جاف»، به کوشش محمد کیوان پور مگری، ماد، تهران، 1324ش؛ یادداشتهای مؤلف؛ نیز:

Barth, F., *Principles of Social Organization in Southern Kurdistan*, Oslo, 1953; Bruinessen, M.M., van, *Agha, Shaikh and State*, Netherlands, 1976; Edmonds, C. G., *Kurds, Turks and Arabs*, London, 1957; EI<sup>2</sup>, S; Entessar, N., *Kurdish Ethnonationalism*, Boulder/ London, 1992; Minorsky, V., «The Gūrān», *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, 1943, vol. XI(1); Nikitine, B., *Les Kurdes*, Paris, 1956; *Tehran and Northwestern Iran*, ed. L. W. Adamec, Graz, 1976; Weightman, S. C. R., «The Significance of Kitāb Burhan ul-Haqq», *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, London, 1964, vol. II. علی بلوکیاشی

جاکارتا، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر اندونزی. این شهر بندری و تجارتي همچنین مرکز یکی از ایالتهای اندونزی در جزیره جاوه است («فرهنگ جهانی»؛ بریتانیکا). شهر جاکارتا در غرب جزیره جاوه، در کرانه دریای جاوه جای دارد و رودخانه

1. *The World... Travel...* 2. *Cities...* 3. *The Columbia...* 4. *Encarta...* 5. *Indonesia Now.* 6. *Indonesia,* 7. «Jabotabek...»

ISAM DM.

258040

پنجم، تهران، 1395

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۵

LAKAWA, Agustin Rebecca. The relationship between language and architecture: a case study of Betawi cultural village at Setu Babakan, South Jakarta, Indonesia. *International Journal of Humanities and Social Science*, 5 viii (2015) pp. 84-101. Reports on the relationship between language and architecture in terms of Betawi vernacular.

Endang  
050815  
Cakarta  
030063

26 Kasim 2017

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

12723 GIESBERS, H. Dutch-Indonesian language mixing in Jakarta. *Linguistics in the Netherlands*, 1995, pp.89-100

12762 HEUKEN, A. Arab landowners in Batavia/Jakarta. *Indonesia Circle*, 68 (1996) pp.65-74

12862 JONES, G.W. & MAMAS, Si Gde Made. The changing employment structure of the extended Jakarta metropolitan region. *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, 32 i (1996) pp.51-70

7 EYLUL 2000 MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

7 EYLUL 2000

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

7 EYLUL 2000

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

708.9598 MU. Museum Indonesia.- Jakarta: Yayasan Harapan Kita, c1980. 146 p.: ill. (all col.); 31x24,5 cm. Text in Indonesian and English

1714 1. Art Museums, Collections - Indonesia

320.9598 LA. Laporan politik Tahun 1837- Staatkundig overzicht van Nederlandsch Indie 1837.- *Djakarta: Arsip Nasional Republik Indonesia*, 1971. v. 196 p.; 24 cm.- (Arsip Nasional Republik Indonesia Penerbitan sumber-sumber sejarah; no. 4) Text in Dutch Summary in English and Malay Includes index

2837 1. Political Situation and Conditions, Indonesia I. Title: Staatkundig Overzicht van Nederlandsch Indie 1837 II. (Series)

A travers le vieux Djakarta, I. La mosquée des Balinais. *Archipel* 3(1972), pp. 97-101.

Eske Cabarta hakbunda,  
J. Balnais Cemi-

CABARTA

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

1820 ABEYASEKERE, S. *Jakarta: a history*. Revised ed. Singapore: Oxford University Press, 1989. 298pp.

"Cabarta" (si 233-4 & 250-8)

27 AGUSTOS 1992

Southeast Asia - A History  
L.E. Williams 356/MILLS

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

1144 PERSOON, G. Congelation in the melting pot: the Minangkabau in Jakarta. *The Indonesian city: studies in urban development and planning*. Ed. P.J.M.Nas. Dordrecht: Foris, 1986 (Verhandelingen van het Koninklijk Instituut voor Taal-, Land- en Volkenkunde, 117) pp.176-196

6 SUBAT 1993

27 MAYIS 1993

3808 LABROUSSE, P. La ville introuvable, ou les mystères de Jakarta. *Archipel*, 36 (1988) pp.27-42

1311 FIRMAN, Tommy. Metropolitan expansion and the growth of female migration to Jakarta. *Asia Pacific Viewpoint*, 40 i (1999) pp.45-58

1312 FUKUCHI, Takao & TOKUNAGA, Suminori. Simulation analysis of exchange rate dynamics: the case of Indonesia. *Developing Economies*, 37 i (1999) pp.35-58

1313 ISACHSEN, A.J. Den økonomiske krisen i Asia. (Summar[y]: The economic crisis in Asia). *Internasjonal Politikk*, 56 ii (1998) pp.179-195;332 (I Thailand, Malaysia, Indonesia & Sør-Korea.)

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKUMAN

1767 *Jakarta: Insight Pocket Guides* (Indonesia). Grantham: Grantham Book Services, for A.P.A. Publications, Hong Kong, 1992, 104pp. £3.99

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

5961 DOWALL, D.E. & LEAF, M. The price of land for housing in Jakarta. *Spatial development in Indonesia: review and prospects*. Ed. T.J.Kim, G.Knaap, I.J.Azis. Aldershot: Avebury, 1992, pp.351-405

01 MAYIS 1995

Cakarta

Cakarta

1188 BERTRAND, Romain. De Bagdad à Djakarta: l'onde de choc idéologique en Asie du Sud-est musulmane. *Critique Internationale*, 19 (2003) pp.31-39.

2010 JAYAPAL, Maya, *Old Jakarta*. Hong Kong: Oxford University Press (E. Asia), 1994, 112pp.

Cakarta

28 EKIM 1995

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 ARALIK 1993

545 JELLINEK, Lea, *The Wheel of Fortune: The History of a Poor Community in Jakarta*. Sydney: Allen & Unwin, 1991, 214pp. \$24.95

Cakarta

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

5976 HOFFMAN, M.L. Unregistered land, informal housing, and the spatial development of Jakarta. *Spatial development in Indonesia: review and prospects*. Ed. T.J.Kim, G.Knaap, I.J.Azis. Aldershot: Avebury, 1992, pp.329-349

Cakarta

01 MAYIS 1995

R170 Jakarta - Batavia. Ed. Grijns, Kees & Nas. Peter J.M. Leiden, 2000. Colombijn. Freek. *Bijdragen Tot de Taal-, Land- en Volkenkunde*. 157 ii (2001), pp.415-417 (E) Taylor, Jean Gelman. *RIMA: Review of Indonesian and Malaysian Affairs*. 35 ii (2001), pp.122-124 (E)

Cakarta

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 HAZ 2000

R69 Beyond Jakarta / Sakai, Minako. Belair, 2002 McWilliam, Andrew. *Asia Pacific Journal of Anthropology*, 4 i-ii (2003), pp.163-165 (E)

Cakarta

ARTIKELER

1197 AJIDARMA, Seno Gumira. Drie Kurzgeschichten zu Ost-Timor / aus dem Indonesischen von Peter Sternnagel. *Orientierungen*, 13 ii (2001) pp.36-54.

1198 AJIDARMA, Seno Gumira. Jakarta - eine Momentaufnahme: drei Kurzgeschichten ... / aus dem Indonesischen von Zornita Ossikovska. *Orientierungen*, 15 ii (2003) pp.20-50. [Includes a note on the author.]

Cakarta

04 TEM 2008

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

R315 New criminal type in Jakarta / Siegel, James T. Durham (USA), 1998 Sidel, John T. *American Ethnologist*, 22 iv (2000), pp.965-966 (E) Carey, Peter. *Asian Affairs: Journal of the Royal Society for Asian Affairs*, 31 / 87 i (2000), pp.92-94 (E) Hefner, Robert W. *Current Anthropology*, 41 v (2000), pp.886-888 (E) Headley, Stephen C. *Homme: Revue Française d'Anthropologie*, 156 (2001), pp.297-299 (E) Abinales, Patricio N. *Journal of Asian and African Studies*, 34 iv (1999), pp.443-444 (E) George, Kenneth M. *Journal of Asian Studies*, 62 i (2003), pp.350-353 (E)

Cakarta

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

R890 New criminal type in Jakarta. By Siegel, James T. Durham (USA), 1998. Sidel, John T. *American Ethnologist*, 22 iv (2000), pp.965-966 (E) Abinales, Patricio N. *Journal of Asian and African Studies*, 34 iv (1999), pp.443-444 (E)

Cakarta

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

- سلاطين جوغ جاكارتا ... 1999  
- سلاطين سوراكارتا ... 2000

Cakarta

08 MAYIS 2001

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

شاکرمصطفی، موسوعة العالم الاسلامي ورجالها،  
مج 3، بیروت 1992، ISAM KTP DN. 34792

MADDE YAYIMLANMISITAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

2526 MURTAGH, Ben. Beautiful men in Jakarta and Bangkok: the pressure to conform in a recent Indonesian novel. *South East Asia Research*, 15 ii (2007) pp.281-299. (Andrei Aksana's *Lelaki terindah [The most beautiful man]* published in Jakarta in 2004. The novel describes a love affair between two Indonesian men.)

*Calicut*

167 THAHA, Idris. New leadership at UIN Syarif Hidayatullah Jakarta. *Studia Islamika: Indonesian Journal for Islamic Studies*, 13 iii (2006) pp.537-541. [Election of a new rector at the Syarif Hidayatullah State Islamic University in Jakarta.]

*Calicut*

08 TEM 2009

MADDE YAYIMLANMISITAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

08 TEM 2009

R115 Jakarta megalopolis / Helmond, Arjan van, Michiels, Stani & others. Amsterdam, 2007  
Derudder, Ben. *Bijdragen tot de Taal-, Land- en Volkenkunde*, 164 i (2008), pp.110-111 (E)

*Calicut*

MADDE YAYIMLANMISITAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

17 HAZ 2008

30 MAR 2008

MADDE

3085 WALLACH, Jeremy. Living the punk lifestyle in Jakarta. *Ethnomusicology: Journal for the Study of Ethnomusicology*, 52 i (2008) pp.98-116.

*Calicut*

08 TEM 2009

11. Bilgiz

Indonesia

— ENDONEZJA  
— CAKARTA

16 SUBAT 1997

## ORIENT

6<sup>e</sup> année - 1<sup>er</sup> trimestre 1962 - numéro 21

PARIS

« Ne te fais pas de souci. Je vais attraper ce démon par la queue et Dieu sait ce que je vais lui faire. »

Alors il bondit en avant comme un léopard et commença à fouiller le compartiment pour trouver cet homme. Il chercha partout; il regarda sous les banquettes de bois, tendit le cou pour voir ce qui se trouvait derrière les piles de malles; scruta méchamment les visages de tous les voyageurs. Mais il ne le trouva nulle part. Alors il pensa qu'il était peut-être dehors et, ouvrant la portière, il sauta du train en marche.

WALIULLAH

*Nouvelle traduite de l'anglais original par Luce-Claude Maitre.*

### LES UNIVERSITÉS ISLAMIQUES D'INDONÉSIE

L'Indonésie est à la fois la nation musulmane la plus nombreuse du monde, avec ses 92 millions d'habitants, et la plus originale, puisque c'est la seule où l'islam est religion sans être en même temps civilisation. Arrivé tardivement, aux XIII<sup>e</sup>, XIV<sup>e</sup> et XV<sup>e</sup> siècles, l'islam est venu apporter la révélation d'un Dieu unique et transcendant sans faire disparaître la civilisation hindouiste teintée d'animisme et parfois de bouddhisme. Les 40 millions de femmes indonésiennes n'ont jamais été voilées. Ainsi s'explique également l'exceptionnelle tolérance de l'islam à l'égard des autres religions, en particulier l'hindouisme demeuré intact à Java, et le christianisme qui compte environ 3 millions de fidèles (2 millions de protestants et 1 million de catholiques).

Cette tolérance mutuelle est un des fondements de l'État, tel que l'a voulu son président, l'ingénieur Sukarno, fils d'un musulman de Java et d'une Balinaise hindouiste. La République indonésienne n'est pas islamique, mais bâtie sur les cinq principes, ou « Pantja Sila », Croyance en Dieu, Nationalisme, Démocratie, Justice sociale, Humanisme.

Le libéralisme culturel s'exprime sur le plan universitaire par la coexistence d'universités d'État et d'universités privées,

MADDE YALINLANDIETAA  
SONRA GELEN DOKÜMAN

12 NISAN 2003

- 3348 TIRTAKOESOEMA, R. Soedjana. The celebration of Garebeg Mulud Dal 1863 in Yogyakarta (18 July 1932). *The kraton: selected essays on Javanese courts*. Ed. with an introd. Stuart Robson. Leiden: KITLV Press, 2003, (Koninklijk Instituut voor Taal-, Land- en Volkenkunde: Translation Series, 28), pp.107-129. [Mawlid festival. Trans. from "De viering van de Garebeg Moeloed Dal 1863 in Jogjakarta (18 Jui 1932)", *Djâwâ*, 12 (1932), pp.276-291.]
- 3349 TIRTAKOESOEMA, R. Soedjana. The celebration of Malem Selikur, Dal 1863 Tuesday evening 17 January 1933 at Yogyakarta. *The kraton: selected essays on Javanese courts*. Ed. with an introd. Stuart Robson. Leiden: KITLV Press, 2003, (Koninklijk Instituut voor Taal-, Land- en Volkenkunde: Translation Series, 28), pp.131-142. [Ramadan meal. Trans. from "De viering van de Malem Selikur, Dal 1873, Dinsdagavond, 17 Januari 1933, te Jogjakarta", *Djâwâ*, 13 (1933), pp.121-129.]
- 3350 TIRTAKOESOEMA, R. Soedjana. The procession with Kanjeng Kyai Tunggul Wulung at Yogyakarta Thursday / Friday 21 / 22 January 1932 (Jumuah-Kliwon 13 Pasa, Jé 1862). *The kraton: selected essays on Javanese courts*. Ed. with an introd. Stuart Robson. Leiden: KITLV Press, 2003, (Koninklijk Instituut voor Taal-, Land- en Volkenkunde: Translation Series, 28), pp.91-106. [Javanese flag. Trans. from "De ommeegang met den Kangdjeng Kjahi Toenggoel Woeloeng te Jogjakarta, Donderdag-Vrijdag 21 / 22 Januri 1932 (Djoemoeah-Kliwon 13 Pâsâ, Djé 1862)", *Djâwâ*, 12 (1932), pp.41-49.]

Jakarta  
Kraton



(انظر خريطة جاوة)

جاكرته Jakarta أو Djakarta عاصمة جمهورية إندونيسية وكبرى مدنها، تقع في شمال غربي ساحل جزيرة جاوة على خليج جاكرته، عند مصب نهر ليونغ Liung. عند تقاطع خط العرض ٦ درجات و٥ دقائق جنوباً مع خط الطول ١٠٦ درجات و٥ دقائق شرقاً. دعاها الهولنديون باتافيا Batavia حين كانت إندونيسية مستعمرة هولندية. وتتصدر جاكرته مدن إندونيسية في الإدارة والاقتصاد والأنشطة الثقافية والمالية والتجارية والنقل.

تأسست مدينة جاكرته في مطلع القرن الخامس، وفي عام ١٥٠٩ حاول البرتغاليون إنشاء مقر تجاري لهم في مكان يدعى سوندا كلابا Sunda Kelapa، وهو المكان الذي تقع عليه جاكرته، غير أن ذلك لم يتحقق بسبب أحد قادة دولة ببتان، Bantan المسلمة المجاورة، الذي استولى على المنطقة وأعاد تسميتها إلى جاكرته. وفي عام ١٦١٩، استولى الهولنديون بقيادة جان بيترزون كون، على جاكرته، وأعاد تسميتها إلى باتافيا، وأكسبها طابعاً هولندياً، وبقيت كذلك نحو ٣٠٠ عام، قاعدة للتوسع الهولندي في جزر الهند الشرقية. ساءت سمعة باتافيا لمناخها الرطب وموقعها وسط المستنقعات، وقيام الهولنديون بشق قنوات فيها، فازداد تلوثها، مما سبب موت الكثير من الأوربيين المقيمين فيها، ثم أُجريت بعد ذلك تحسينات صحية فيها مما أدى إلى انخفاض الوفيات. وفي عشرينيات القرن العشرين حتى عام ١٩٤١، تحسنت باتافيا تحسناً ملحوظاً، وغدت مدينة عصرية، دخلها اليابانيون في أثناء الحرب العالمية الثانية، عندما

احتلوا إندونيسية، ودعاها اليابانيون جاكرته. وبعد الحرب احتل الحلفاء المدينة، ثم أعيدت إلى هولندا، إلى أن حصلت إندونيسية على استقلالها في ٢٧ كانون الأول من عام ١٩٤٩، وأصبحت جاكرته عاصمة إندونيسية بحسب قرار الحكومة الذي اتخذته في عام ١٩٥٩. وفي عام ١٩٦٦ صارت جاكرته عاصمةً ومركزاً إدارياً لإقليم جاكرته، وتضم مساحة تقدر بنحو ٦٦١ كم<sup>٢</sup>. كما بذلت جهود من أجل تحقيق منجزات خدمية لجاكرته، وتمت مشروعات في عهد سوهارتو، كان قد بدأها في عهد سوكارنو، مثل مسجد الاستقلال الذي كان يُعد أكبر مسجد في العالم، إضافة إلى تحسين الطرق والمواصلات والمياه والهاتف وغيرها.

شهدت جاكرته في السبعينيات حركة توسع باتجاه الغرب، وشمل المخطط أيضاً التوسع باتجاه شمال وجنوب ميناء السوندا القديم، حتى جنوبي أجزاء المدينة في كوتاKota،



مدينة جاكرته

التي تُعد أقدم مدينة تجارية في المنطقة، وتقع في جنوب «السوندا كلابا».

مناخ جاكرته حار ورطب، وتراوح متوسطات الحرارة السنوية بين ٣٤ درجات و٣٤ درجة، ويستمر الهطل فيها على مدار العام، وخاصة ما بين تشرين الثاني وأيار، ومعدله السنوي فيها نحو ١٧٩٠ مم، والرطوبة ما بين ٧٥% - ٨٥%، وتقوم رياح البحر بتعديل درجة الحرارة وتلطيفها.

يضم السكان في جاكرته مجموعات إثنية كثيرة منها: السونديون، والجاويون، والصينيون، ويدين معظم السكان في جاكرته بالإسلام، ويشكلون نحو ٨٥%، ويدين الباقي بالمسيحية وهم نحو ١١%، والباقي يدينون بالبودية والهندوسية.

بلغ عدد سكان جاكرته بحسب تعداد عام ١٩٩٠ نحو ٨٢٥٩٦٦٦ نسمة، وتزايد هذا العدد فوصل إلى ٩٣٤١٤٠٠ نسمة في عام ١٩٩٧، ويُعدّ النمو السكاني في جاكرته عالياً، ويزيد على ٣% في السنة.

استقطبت جاكرته المستثمرين الإندونيسيين والأجانب، لأنها المقر الرئيس للشركات الحكومية الكبرى والخاصة، مما أدى إلى تطورها في مجال التجارة والاقتصاد.

ازداد نمو السياحة في جاكرته، فأثر ذلك إيجابياً في الاقتصاد الإندونيسي. وشهدت جاكرته نمواً في الإنتاج الصناعي مثل النسيج والأحذية والأغذية، وازداد عدد الفنادق والمكاتب والسكن التجاري والخدمات العامة الأخرى، مما كان له أثر إيجابي في جذب رؤوس الأموال الخاصة ولعامّة.

الموضوعات ذات الصلة:  
إندونيسية - جاوة

## ■ جاكوبي (كارل جوستاف.)

(١٨٠٤ - ١٨٥١م)

كارل جوستاف جاكوبي Carl Gustav Jacobi عالم رياضي ألماني ولد في بوستدام Postdam، وتوفي في برلين. كان أبوه صرافاً، ولكن عمه هو الذي تعهده بالرعاية والعناية إلى أن بلغ من العمر اثني عشر عاماً، فألحقه بمدرسة بوستدام الثانوية. كان جاكوبي محباً للعلوم التقليدية، فدرس ما وصل إليه المشاهير من علماء الرياضيات أمثال أولر ولاغرانج. وفي عام ١٨٢١ سجّل في جامعة برلين، ودرس فيها الرياضيات وفقه اللغة، فأظهر تفوقاً كبيراً. وفي عام ١٨٢٥ قدم أطروحة تناول فيها صيفاً معينة للاغرانج. وفي عام ١٨٢٧ أرسل إلى العالم الفلكي شوماخر رسالتين يبين فيهما ما توصل إليه حول الدوال الإهليلجية، ونشرت هذه النتائج في مجلة الأخبار الفلكية. راسل في الوقت ذاته العالم الفرنسي لوجاندر الذي

واستجابةً لنمو قطاع السياحة، أنشئ في عهد الرئيس سوكارنو (١٩٨٥) مطار دولي في «هاتا، Hatta».

تستخدم في جاكرته وسائل النقل الخاصة بشكل رئيسي، لأصحاب الدخل المتوسط والعالي، ومما يذكّر أن جاكرته تعاني أزمة مرورية، وبذلت الحكومة جهوداً كبيرة لشق الطرق وتجهيزها لتجاوز هذه الأزمة، وتحسنت في جاكرته وسائل المواصلات الهاتفية، ولكن ما زالت خدمات الهاتف في المنازل قليلة نسبياً. في جاكرته نحو ١٠٠ معهد للتعليم

العالي الخاص والعام، وجامعة إندونيسية تأسست عام ١٩٥٠، إضافة إلى معاهد ثقافية، تتضمن شتى الفنون الإندونيسية في الرسم والموسيقى والرقص، ومتحف يتحدث عن تاريخ جاكرته، ومتحف للفنون الجميلة والمتحف الوطني، ومسجد الاستقلال، ومنشآت رياضية كثيرة، ومعالم أخرى تمّ تمويلها من قبل الاتحاد السوفييتي سابقاً، إضافة إلى بعض المتاحف الهامة والكنائس والبيوت العائدة إلى القرن السابع عشر.

فياض سكيكر

السمائي، ومسألة الأجسام الثلاثة، واضطرابات حركات الأجرام السماوية. وفي علم الجبر اهتم جاكوبي بالصيغ التربيعية التي بقيت على النحو الذي قدمه ردها من الزمن، كما اهتم بنظرية المحددات (المعينات) التي مهدت السبيل للمحددات الدالية التي تسمى اليعقوبيات.

وأضافة إلى كل ذلك أجرى جاكوبي أبحاثاً مميزة في المنحنيات والسطوح الجبرية، وفي الهندسة التفاضلية ونظرية الأعداد.

كانت سنواته الأخيرة بائسة، إذ تحطمت أسرته، وحصل نتيجة ذلك على منحة حكومية دائمة، ثم حصل بسبب صحته المدهفة على إجازة للاستراحة في إيطاليا. وفي عام ١٨٤٤ أعفي من التدريس في برلين، وبقي يشغل وظيفة أكاديمي متفرغاً للبحث العلمي الحر.

arsitektur Jawa disebut blandar ini terdapat pahatan tahun 1107 Hijrah, bunyi lengkap tulisan itu ialah :

Hijrah nabi S.a.w : 1107.

Dari keterangan tertulis ini, kita dapat menyimpulkan bahwa kemungkinan pada tahun 1107 Hijriah itu (12 Agustus 1695-2 Juli 1696) telah diadakan perbaikan pada mesjid ini. Jadi angka tahun itu merupakan titimangsa perbaikan Mesjid Indrapuri.

Angka tahun tersebut jika dikaitkan dengan masa pemerintahan raja-raja Aceh ialah masa pemerintahan Ratu (Sultanah) Kamalat Shah (1688-1699) <sup>(1)</sup>. Dengan demikian anggapan bahwa mesjid ini didirikan masa Iskandar Muda (1607-1636) tidak begitu meleset bahwa beberapa tahun sebelumnya mungkin telah dibangun.

#### CATATAN

1. Muhammad Ibrahim et al : *Sejarah Daerah propinsi istimewa Aceh* , Proyek penelitian dan Pencatatan Kebudayaan Daerah D.I. Aceh, 1978, p. 82.

*Archipel*, 30 (1985) Paris, s. 47-56.

[ L'ISLAM EN INDONESIE II ]

A-Kawas.Ktp.

16 AGUSTOS 1998

*Jacques DUMARÇAY et Henri CHAMBERT-LOIR*

## Le Langgar Tinggi de Pekojan, Jakarta

Les mosquées les plus anciennes de Jakarta sont bien entendu situées dans le nord de la ville moderne, sur le site de l'ancienne Batavia. Il semble ne subsister aucun vestige des mosquées du 17<sup>e</sup> siècle (sauf peut-être à Cilincing), mais on connaît par contre plusieurs mosquées du 18<sup>e</sup> siècle, dont la plus grande se trouve dans le quartier de Pekojan, à l'angle des rues Pekojan et Pengukiran. Ce quartier, comme son nom l'indique, était à l'origine celui des Khodjas, c'est-à-dire des Musulmans d'origine indienne, particulièrement bengalais. D'autres groupes s'y sont également installés avec le temps et il s'y trouve encore aujourd'hui une assez forte communauté d'origine arabe, des Hadramis pour la plupart, qui fréquentent ladite mosquée et en assurent l'administration. Tel est le cas aussi d'un autre lieu de prière qui se trouve dans la même rue : le Langgar Tinggi.

Le Langgar Tinggi est situé sur le côté sud de la rue Pekojan, soit entre la rue et le Kali Angke. C'est un bâtiment de deux étages, le lieu de prière (*langgar*) se trouvant à l'étage supérieur tandis que le rez-de-chaussée est occupé par quatre familles qui y vivent et y tiennent commerce. Un écriteau au-dessus de la porte informe que le bâtiment a été construit en 1249 AH/1829EC. L'année de l'Hégire 1249 correspond en réalité à l'année grégorienne 1833 ou 1834 et l'on ne sait sur quelle source est fondée l'information <sup>(1)</sup>.

« Ne te fais pas de souci. Je vais attraper ce démon par la queue et Dieu sait ce que je vais lui faire. »

Alors il bondit en avant comme un léopard et commença à fouiller le compartiment pour trouver cet homme. Il chercha partout; il regarda sous les banquettes de bois, tendit le cou pour voir ce qui se trouvait derrière les piles de malles; scruta méchamment les visages de tous les voyageurs. Mais il ne le trouva nulle part. Alors il pensa qu'il était peut-être dehors et, ouvrant la portière, il sauta du train en marche.

WALIULLAH

*Nouvelle traduite de l'anglais original par Luce-Claude Maitre.*

ORIENT, 6/1, (S.21) - 1962

S. 81-84 (PARIS)

Manuskrip "Endonezya" posefndedite.

## LES UNIVERSITÉS ISLAMIQUES D'INDONÉSIE

L'Indonésie est à la fois la nation musulmane la plus nombreuse du monde, avec ses 92 millions d'habitants, et la plus originale, puisque c'est la seule où l'islam est religion sans être en même temps civilisation. Arrivé tardivement, aux XIII<sup>e</sup>, XIV<sup>e</sup> et XV<sup>e</sup> siècles, l'islam est venu apporter la révélation d'un Dieu unique et transcendant sans faire disparaître la civilisation hindouiste teintée d'animisme et parfois de bouddhisme. Les 40 millions de femmes indonésiennes n'ont jamais été voilées. Ainsi s'explique également l'exceptionnelle tolérance de l'islam à l'égard des autres religions, en particulier l'hindouisme demeuré intact à Java, et le christianisme qui compte environ 3 millions de fidèles (2 millions de protestants et 1 million de catholiques).

Cette tolérance mutuelle est un des fondements de l'État, tel que l'a voulu son président, l'ingénieur Sukarno, fils d'un musulman de Java et d'une Balinaise hindouiste. La République indonésienne n'est pas islamique, mais bâtie sur les cinq principes, ou « Pantja Sila », Croyance en Dieu, Nationalisme, Démocratie, Justice sociale, Humanisme.

Le libéralisme culturel s'exprime sur le plan universitaire par la coexistence d'universités d'État et d'universités privées,

N<sup>o</sup> 7: Krtapta harita vardis.

Calcutta

**JAVA**  
**SIAM, CANTON** 984

**VOYAGE ATOUR DU MONDE**

PAR

**LE COMTE DE BEAUVOIR**

« J'étais là; telle chose m'advint. »  
LA FONTAINE.

**OUVRAGE ENRICHÍ D'UNE GRANDE CARTE SPÉCIALE**  
**ET DE QUATORZE GRAVURES-PHOTOGRAPHIES PAR DESCHAMPS**

Neuvième Édition

**PARIS**

**ET C<sup>ie</sup>, IMPRIMEURS-ÉDITEURS**  
**RUE GARANCIÈRE, 10**

1874

اندونزی و مرکز اقتصادی - تجاری، حمل و نقل و صنعتی این کشور و مرکز سیاسی - اداری ایالت جاکارتاست. ایالت جاکارتا که حدود ۵۹۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن در ۱۳۷۴ ش/ ۱۹۹۵، ۹'۱۶۰'۵۰۰ تن بوده - یکی از پنج ایالت جزیره جاوه است (الموسوعة العربية العالمية، ذیل «جاوه»؛ < کتاب سال بریتانیکا ۱۹۹۸ >، ص ۶۲۳).

شهر جاکارتا در مغرب جزیره جاوه، در ساحل شمالی، در کنار خلیج جاکارتا (یا خلیج باتاویا<sup>۲</sup> / بتاویه) و دریای جاوه، در ۵°۱۰' طول شرقی و ۱۰°۶' عرض جنوبی قرار دارد. این شهر در دشت واقع شده است و ارتفاعاتی با فاصله بسیار، در جنوب آن امتداد دارد. رود سیلیونگ / چیلیونگ<sup>۴</sup> با جهت جنوبی - شمالی از میان شهر می‌گذرد و به خلیج جاکارتا می‌ریزد. علاوه بر این، رودهای بسیاری در نزدیکی شهر جاری‌اند، مانند گروگل<sup>۵</sup> در مغرب و سوتر<sup>۶</sup> در مشرق.

جاکارتا در منطقه زلزله‌خیز قرار دارد (به ادامه مقاله). این شهر در منطقه حاره واقع شده و دارای آب و هوای گرم و مرطوب است. یکی از قدیم‌ترین ایستگاههای هواشناسی منطقه حاره در جاکارتاست و بنا بر آمار اقلیمی ۷۵ ساله (از ۱۸۶۶/۱۲۸۳ به بعد)، دمای آنجا از ۳۵ در بالاتر و از ۱۹ پایین‌تر نبوده است (ولک<sup>۷</sup>، ص ۲۶). میانگین سالانه دمای شهر در روز ۲۸ و در شب ۲۶ است (مظفری، ص ۱۰). با توجه به موقعیت شهر و نزدیکی آن به دریا، نسیم خشکی و دریا که در جاکارتا دائمی است، در افزایش آلودگی هوای شهر مؤثر است (ولک، ص ۲۵۵). این شهر در یکی از پر باران‌ترین مناطق جهان قرار دارد؛ متوسط باران سالانه آنجا حدود دو هزار میلیمتر و متوسط رطوبت سالانه آن ۸۱٪ است (مظفری، همانجا؛ الموسوعة العربية العالمية، ذیل ماده).

جاکارتا با راههای اصلی در مغرب به ساحل تنگه سوندا<sup>۸</sup> (میان جزایر جاوه و سوماترا) می‌پیوندد، با شهرهایی مانند چیربون<sup>۹</sup> و سمارانگ<sup>۱۰</sup> در مشرق و سواحل شمالی جزیره جاوه ارتباط دارد و با باندونگ<sup>۱۱</sup> (ح ۱۸۰ کیلومتر) در جنوب شرقی و از آنجا به شهرهای مرکزی و شرقی جاوه، مانند سوراکارتا / سولو<sup>۱۱</sup> و سورابایا<sup>۱۲</sup>، مرتبط است و راه‌آهن آن را به شهرهای جزیره جاوه متصل می‌کند. فرودگاههای کامجوران<sup>۱۳</sup> در شمال و هلمیم<sup>۱۴</sup> در جنوب شرقی شهر شهرت جهانی دارند. خطوط کشتیرانی میان جاکارتا و بندرهای اندونزی و شهرهای لندن، هامبورگ و آمستردام برقرار است (مظفری، ص ۱۱۰). بندر

شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، چاپ محمد عباسی، چاپ افست تهران [۱۳۳۲ ش]؛ ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، تهران ۱۳۷۸ ش؛ مصطفی تیمورزاده، وحشت در سقز: نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ اول جهانی تا اعاده اقتدار دولت مرکزی، ۱۳۰۲-۱۳۰۳ شمسی (۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲ قمری)، به کوشش شهناز محسنی، تهران ۱۳۸۰ ش؛ ولید حمدی، کردستان و کرد در اسناد محرمانه بریتانیا، ترجمه بهزاد خوشحالی، همدان ۱۳۷۸ ش؛ حسین خلیقی، کومه لئاسی کورده‌واری: جامعه‌شناسی کردها، ج ۲، بغداد ۱۹۹۲؛ محمدامین زکی، کورد و کوردستان، بغداد ۱۹۳۱/۱۳۵۰، چاپ افست مهاباد [بی‌تا]؛ همان، زبده‌ی تاریخ کرد و کردستان، ترجمه عبدالله روشن اردلان، تهران ۱۳۸۱ ش؛ محمدعلی سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج ۱: ایلات و طوایف کرمانشاهان، تهران ۱۳۷۲ ش؛ علی‌اکبر سنجایی، ایل سنجایی و مجاهدات ملی ایران: خاطرات علی‌اکبرخان سنجایی، سردار مقتدر، تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران ۱۳۸۰ ش؛ شکرالله‌بن عبدالله سندجی، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، چاپ حشمت‌الله طیبی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ صدیق صفی‌زاده، تاریخ کرد و کردستان، تهران ۱۳۷۸ ش؛ عباس عزاوی، عشائرالعراق، بغداد ۱۹۳۷-۱۹۵۶، چاپ افست قم ۱۳۷۰ ش؛ درک کینان، کردها و کردستان: مختصر تاریخ کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران ۱۳۷۶ ش؛ محمد مردوخ، کتاب تاریخ مردوخ، تهران [بی‌تا]؛ بابا مردوخ روحانی، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۳: امرا و خاندانها، به کوشش ماجد مردوخ روحانی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷: جمعیت عشایری دهستانها، کل کشور، تهران ۱۳۷۸ ش<sup>الف</sup>؛ همو، سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷: نتایج تفصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۸ ش<sup>ب</sup>؛ سعودی، مروج (بیروت)؛ جعفرین محمدتقی مشیرالدوله تبریزی، رساله تحقیقات سرحدیه، چاپ محمد مشیری، تهران ۱۳۴۸ ش؛ معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، چاپ غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳ ش؛ نقشه راهنمای عراق، مقیاس ۱:۲۰۰'۰۰۰، تهران: گیتاشناسی، [بی‌تا]؛ بازیل نیکیتین، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ علی‌اکبر وقایع نگار کردستانی، جغرافیا و تاریخ کردستان: حلیقه ناصریه و مرآت‌الظفر، به کوشش محمد رفوف توکلی، تهران ۱۳۸۱ ش؛ بهرام ولدییگی، تاریخ سیاسی اجتماعی پایه و اورامانات در بیست ساله اخیر: ۱۳۶۸-۱۳۴۸ ه. ش، تهران ۱۳۶۹ ش.

۱ شهناز محسنی /

جاکارتا، پایتخت اندونزی و یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای اسلامی. جاکارتا بزرگ‌ترین شهر

- |                      |                                     |            |             |                     |
|----------------------|-------------------------------------|------------|-------------|---------------------|
| 1. Jakarta/ Djakarta | 2. 1998 Britannica book of the year | 3. Batavia | 4. Ciliwung | 5. Grogol           |
| 6. Sunter            | 7. Vlekke                           | 8. Sunda   | 9. Cirebon  | 10. Semarang        |
| 12. Surabaya         | 13. Kemajoran                       | 14. Halim  |             | 11. Surakarta/ Solo |

**JAKARTA: A HISTORY.** By Susan Abeyasekere. Oxford University Press: Unit 221, Ubi Avenue 4, Singapore 1440, 1989 (Revised Edition). Pp.344.

*Jakarta: A History*, despite its ambitious scope – the study of a city over four centuries – succeeds in presenting a clear, carefully detailed picture of Jakarta. Naturally, the author has selected emphases and pre-occupations which will not please all. Certain facets of the city are necessarily ignored – most seriously, the Islamic influences, which have so clearly formed the backbone of the Jakartans' (Orang Betawi's) way of life.

Change and continuity is the dominating theme of the book: in spite of physical changes in the city, the separateness between elite and poor sectors has remained constant. The author has avoided theoretical constructs which has allowed the presentation of her themes in a wealth of detail.

She focuses upon the development of Jakarta as a centre of Dutch enterprise. Passing briefly over the controversy surrounding the foundation of Jakarta, she proceeds to discuss its growth as a Company (VOC) town. After the expulsion of the indigenous population and the walling of the town during the third decade of the 17th century, the Dutch had established themselves as the real masters of Jakarta. Although various ethnic groups eventually converged in the growing town, the Chinese were the most dominant and active group after the Europeans and their allies. At the peak of their prosperity, the Chinese were attacked and suppressed by the Company. Unfortunately the author has little to say of those Indonesians, Muslims, who by the late 18th century had come to occupy many parts of the enlarged town outside the walls.

By the 19th century Jakarta was transformed into the administrative and political centre of the colonial regime. As, by the late 18th century, Dutch interests in Indonesia became more overtly political, the Company's style of administration, plagued by corruption and inefficiency, proved incompetent to carry on the responsibility of government. H.M. Daendels was the governor-general who finalized the transformation of Jakarta from an enclave into a city. The economic boom enjoyed by the colonial regime during the 19th century had a strong physical impact on Jakarta, popularly called the 'Queen of the East', with a population of 115,000 in 1900. However, the various urban facilities introduced during the period were more beneficial for the well-to-do than for the majority of the Jakartans, particularly the Orang Betawi. The Muslim Orang Betawi nevertheless proved capable of developing and sustaining an identity based mainly on Islam, dialect and culture. Indeed, Abeyasekere maintains that during the 19th century the city consolidated itself socially primarily through the role played by indigenous women of different ethnic groups.

During the early part of the 20th century, alongside the rise of nationalism among Indonesians, Jakarta experienced further changes. The implementation of the Ethnic Policy from the beginning of the 20th century had a direct impact on many Jakartans. Education, health care, improved productivity, and political participation became more accessible to many, including the Orang Betawi. More important, among the

Orang Betawi Islam continued to play a central role for their solidarity. Thus when the Sarekat Islam campaigned in Jakarta it struck a responsive chord among the Orang Betawi by nurturing local issues such as private estates, high prices and deteriorating conditions. Despite the intense efforts of many political parties and leading individuals to propagate nationalism, the Orang Betawi remained more concerned with their own survival. Furthermore, beside an increasing number of Arab immigrants and local hajis, Islamic reforms were introduced particularly in religious, social, and educational fields. This period was marked by a growing exclusiveness between various segments of the city's population as a response to the rapid changes of the 20th century. The Dutch continued to keep a firm grip on the situation on almost all fronts. The Chinese who had enjoyed close ties with the Dutch faced certain dilemmas but they generally remained loyal to the dominant masters. Many Chinese writers, in fact, contributed significantly to the development of Jakartan Malay literature. The fact remains, however, that Jakarta continued to have to put up with, even accentuate, the social and economic gap between the modern centre and the poor *kampung* where the majority lived. While the few Indonesians who sat in the Municipal Council never failed to raise the issue, their efforts brought no positive result.

The Japanese period is regarded as a watershed in the development of Jakarta. As the centre of Japanese rule, Jakarta underwent extensive changes. For example, many Indonesians were for the first time promoted to top positions in the municipal administration. Despite such a positive gesture, the Jakartans did not actually fare better during the Japanese occupation, and possibly fared worse. The return of the Dutch after the capitulation of the Japanese made Jakarta a battlefield on various issues between the Republicans (Indonesians) and the Dutch.

After the transfer of sovereignty at the end of 1949, attempts were made to give Jakarta the flavours and the symbols thought appropriate to the capital of an independent nation. It was enlarged to almost three times its former size, and received special attention for beautification and development. Not surprisingly, it attracted waves of migrants from the countryside. However, though by 1965 the city had a population of 3,813,000, not all had proper housing or regular work. Jakarta had become 'a melting-pot of cultures' and its various segments lived relatively harmoniously, primarily through the common bases of language and identity. The Chinese who generally chose to opt for Indonesian citizenship continued to prosper as businessmen, tradesmen, or otherwise. Yet Jakarta was also an arena for different interests, including political manoeuvrings and cultural debate. After Sukarno became the political master in the late 1950s, Jakarta was larded with skyscrapers, gardens, new hotels and monuments. But the majority of Jakartans suffered more from inflation, shortage of basic commodities, and unemployment.

The emergence of the New Order government under Suharto in the mid-1960s brought more changes. In accordance with the development slogan of the New Order government, vigorous endeavours were made to bring economic improvement to the city, even at times arousing the

Hyöphoe (Independence Club). Both organs were designed to help strengthen popular enthusiasm and support for Korea's independence and modernization.

In May 1898, after the Japanese-backed reformers lost influence, Jaisohn was forced to return to America by the antagonistic conservative bureaucracy. From then until 1947 he practiced medicine in Media, Pennsylvania, and at the same time took an active part in cultivating the support of Korean expatriates as well as Americans for the cause of Korean independence. He traveled widely, writing and lecturing and working with members of other Korean organizations and the Provisional Government in exile. In June 1947 he returned to Seoul as senior adviser to the US military government of Korea, and, despite his American citizenship, was frequently but unsuccessfully approached by various Korean political groups to run for the country's presidency. In September 1948, after the formation of the Syngman Rhee presidency, Jaisohn returned to Media, where he remained until his death.

[See also Independence Party and Club.]

Chong-sik Lee, *The Politics of Korean Nationalism* (1965). Channing Liem, *America's Finest Gift to Korea: The Life of Philip Jaisohn* (1952). VIPAN CHANDRA

JAJMANI, a term derived from *yajamana*, the Vedic Sanskrit word for a patron employing a brahman priest to perform a religious sacrifice. By extension, *jajmani* relations are hereditary ties of obligation between a food-producing family and families supplying them with goods and services, usually within a single village or small region. In what has been called the *jajmani* system, the services of specialists are reciprocated with traditionally specified gifts of food, clothing, and sometimes money. *Jajmani* relations typically span generations and link a patron landowning family with single client families of priests, potters, tailors, leatherworkers, washermen, weavers, carpenters, and the like, each practicing traditional caste occupations and also exchanging goods and services among themselves. The equity of such bonds has been much debated. *Jajmani* ties are found in most regions of India but are now weakening as cash transactions gain in importance.

[See also Caste.]

Richard Lannoy, *The Speaking Tree: A Study of Indian Culture and Society* (1971). David G. Mandelbaum, *Society in India* (1970). William H. Wiser, *The Hindu Jajmani System* (1936). DORANNE JACOBSON

JAKARTA, capital and largest city of Indonesia (1980 population, 6.5 million). Jakarta is situated on a swampy plain at the mouth of the Ciliwung River on the northwestern coast of Java. The first town known on this site was Sunda Kelapa, port of the kingdom of Pajajaran in the twelfth century. Conquered in 1527 by the sultanate of Banten and renamed Jayakarta ("victorious"), it was destroyed in 1619 by Jan Pieterszoon Coen, who founded in its place the port of Batavia as regional headquarters of the Dutch East India Company (VOC). Built like a Dutch canal town, Batavia was fortified against hostile neighbors. The VOC encouraged European and Chinese immigration and imported slaves from all over Asia. Some tension existed (and continued) between the ethnic groups, as can be seen by the massacre of Chinese in 1740, after which the Chinese were resettled outside the walls in the "Chinese camp" (now Glodok). As a result of ethnic intermingling, the language of the town became Malay (now Bahasa Indonesia).

In the late eighteenth century Batavia was notoriously unhealthy owing to the spread of waterborne diseases, notably malaria. (Drainage and water supply problems continue to plague the lower town.) Europeans moved to higher land farther south where they built Weltevreden (Gambir) around a large square called Koningsplein (Medan Merdeka). In 1810, after the collapse of the VOC, the colonial administration was moved to Weltevreden, although old Batavia (Kota) remained the business center. Batavia's status as a port was enhanced by the building of a modern harbor at Tanjung Priok (completed in 1886). Chinese settled around markets like Tanah Abang and Senen, while Indonesians lived in kampongs, unplanned urban villages. After the slave trade was abolished in 1812, local immigration provided the labor force. The population grew slowly (from 47,000 in 1815 to 115,000 in 1900), allowing acculturation and giving rise to a unique Indonesian ethnic group, the Orang Betawi.

In 1905 the Batavia municipal government was established with a limited representative council and centrally appointed mayor. Population growth accelerated: by 1930 Batavia had 435,000 people, mostly Javanese immigrants. Settlement spread southward: the European suburb of Menteng was planned in the early twentieth century, and in 1935 the township of Meester Cornelis (Jatinegara) was incorporated into the municipality.

During the Japanese occupation (1943-1945) Batavia's name was changed to Jakarta, a version of Jayakarta. Independence was declared there in

726.2095982

TJ.I Tjandrasasmita, Uka

CAKARTA

Islamic antiquities of sendang Duwur / by Uka Tjandrasasmita; translated by Satyawati Suleiman.- Jakarta: The Archaeological Foundation, 1975.

v, 81 p.: ill.; 21 cm.

1818 1. Mosques and Minarets, Jakarta I. Suleiman, Satyawati (tr.) II. Title

26 AGUSTOS 1991

COE

madde: CAKARTA

A. Br. : c. V, s. 245-246

B. L. : c. IV, s. 2121

F. A. : c. —, s. —

M. L. : c. II, s. 732

T. A. : c. IX, s. 194-195